



امروز در وین باران آمد.
دیروز ابری نبود.
امروز بامداد ابری بود.

سارا با مادر در بازار
بود. سارا با مادر از
بازار آمد. آن کودکی
بادبادکی دارد. اکبر
با بادبادکی بازی می‌کند.

اکبر کودکی است. اکبر با
دارا دوست است. زیور و زیبا آمدند. زیور
و زیبا کار دارند.
زیور و زیبا درس دارند. مادر زیور و زیبا
را دوست دارد. سارا و دارا بازی می‌کنند.
دارا اردکی را در آب می‌اندازد. اردک در آب
بازی می‌کند.

اردکی، آببازی را دوست دارد. پرویز و
پروین بازی می‌کنند. پرویز و پروین
توپبازی می‌کنند. پروین توپ را
می‌اندازد. پرویز، توپ را با پا می‌زند.

من، دیروز به پدر نامه دادم. من به
پدر نامه می‌نویسم. من به پدر می‌نویسم:
من تو را دوست دارم. من دوست دارم، کتاب
بنویسم.